

نظریه توطئه جهانی . آنتوان ویتکین^۱

۲۵

نظریه های توطئه جهانی از زمانی که قدرت های جدید بوجود آمدند ، پدیدار شد . اما پخش وسیع اطلاعات و وعده های شفافیت و تشکیل نیروهای ضد قدرت ، نه تنها سوء ظن ها را نسبت به دموکراسی کاهش نداد ، بلکه موجب تقویت آنها شد .

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سوء قصدهایی با ابعاد بی سابقه آمریکا را تکان داد . نقطه عطفی در امور دنیارخ داد که دخالت همه جانبه حکومت « بوش » را که تا آن موقع تقریباً انزو و اطلب تلقی می شد ، توجیه کرد . در اثنايي که دو د از برج های مورد حمله بالا می رفت سؤالی مطرح شد : این جنایت به نفع کیست ؟ آیا ادارات آمریکایی ، مطلع شده از پیش ، اجازه ندادند که این کار صورت گیرد ؟ آیا « بن لادن » مأمور سابق سیا ، این مأموریت را طبق دستور انجام نداد است ؟ نویسنده ای به نام (تی یرمی می سان Thiery Meyssan) با برانگیختن این بدگمانی به چهره ای مشهور تبدیل شد . نظریه او چنین بود : یک گروه مخفی در بطن دستگاه اجرائی دولت آمریکا ، فرمانده واقعی این حمله هاست و هدفش مسلط کردن قدرت خود بر همه جهان

است. دلیل توطئه این است که «پنتاگون» مورد حمله یک موشک آمریکایی قرار گرفته و نه یک هواپیما. این موضوع از جزئیات مسئله کاملاً پیداست: ابعاد سوراخ بوجود آمده در نمای ساختمان و فقدان خرد و ریز بر روی چمن. نظریه با سرعتی عجیب بر روی اینترنت پخش شد، سپس بصورت کتابی به نام دروغ و حشتناک در ۳۰۰ هزار نسخه به فروش رسید و بلافاصله به ۲۷ زبان دنیا ترجمه و پخش گردید. نظریه می سان محصول یک شرکت خبررسانی بود که پخش وسیع بر روی اینترنت را با ابزار و وسایل یک شرکت بزرگ تجاری به هم پیوند می دهد. شرکتی که خبرسازی و افشاگری و پرده دری در آن، از وسایل برجسته عوامل تحریک بشمار می رود. بدینسان نظریه مزبور قبل از هر چیز،

یک گروه مخفی در بنن دستگاه اجرایی دولت آمریکا. فرمانده واقعی این حمله هاست و هدفش مسلط کردن قدرت خود بر همه جهان است. دلیل توطئه این است که «پنتاگون» مورد حمله یک موشک آمریکایی قرار گرفته و نه یک هواپیما.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

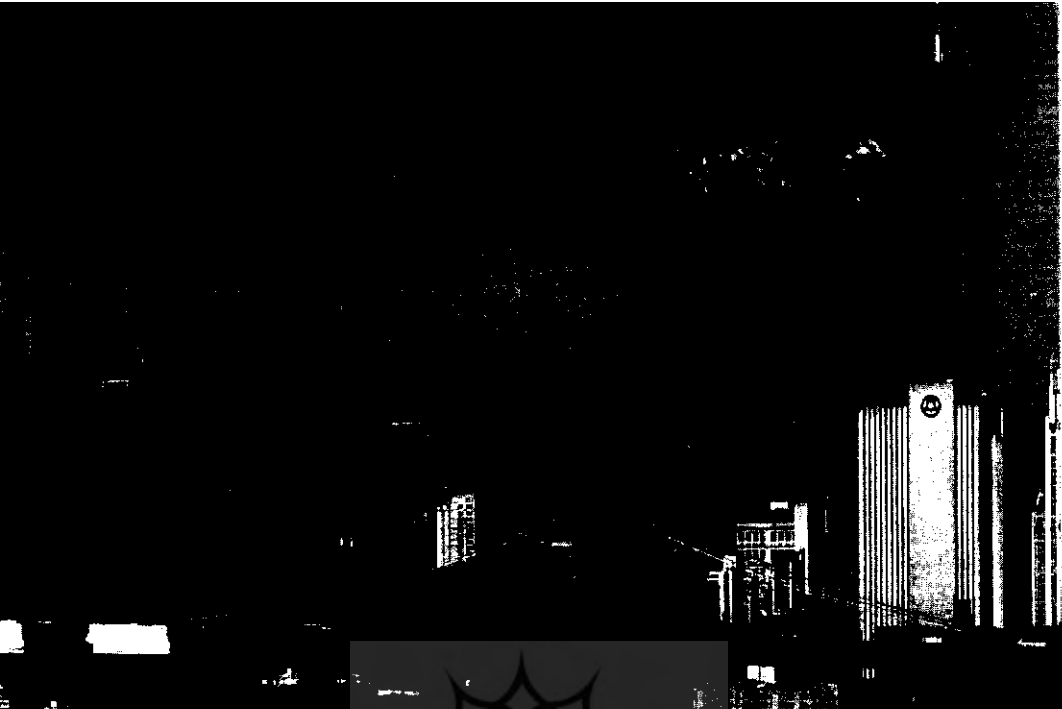


شکل مسخ شده ای از یک نظریه توطئه جهانی است که «تاریخ» در آن، بمنزله نمایشی است که توسط اشباح بازی می شود و حوادث در آن عبارت از صحنه هایی کاذب است که بر روی عملیات مخفی و هم آهنگ کسانی کشیده می شود که سر نخ ها را در دست دارند و در صدد تسلط بر جهانند. تاریخ و حوادث آن، ثمره نقشه ای مخفی است که باید افشا شود. این نقشه قهرآبدخواهانه است زیرا افسانه توطئه، پایه اش بر یک بدبینی اساسی نهاده شده است.

هذیان عاقلانه

نظریه توطئه بمثابه هذیانی عاقلانه، هر قدر بی معنی به نظر آید، باز چندان غیر عاقلانه نیست و اگر بهتر بگوییم به این دلیل که عاقلانه بودن خود را به مثابه قرائتی شدیداً انتقادی تحمیل می کند. که همه چیز در آن «نشانه» است و هر نشانه هم بنا بر این اصل که «هر چه پس از چیزی پیش آید، لزوماً معلول همان چیز است.» و یا اگر ساده تر بگوییم هر چه رخ می دهد معلول کار کسانی است که از آن سود می برند. این نظریه که جنبه ای عرفانی و رمز آمیز دارد، با اینهمه بسیار سیاسی است، زیرا این سؤال را مطرح می کند که چه کسی واقعاً قدرت را اجرا می کند؟ چه کسی عمل می کند؟

بنابراین، ایداً جای تعجب نیست که افسانه توطئه جهانی به شکل کنونی اش دقیقاً از هنگامی بوجود آمده است که نوع جدیدی از اجرای قدرت اختراع شد. این اختراع جدید، در واقع با پدید آمدن نظامی اجتماعی - سیاسی که نه تنهایی تحرک و سنتی نیست، بلکه تابع عمل تغییر دهنده اراده انسانی است مشتبه می شود. نظریه توطئه جهانی در واکنش به قرن روشنایی ها و انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، در محافل ضد انقلابی و سلطنت طلب و کاتولیک شکل گرفت. بدنبال یک پدر روحانی به نام «باروئل Barruel» و کتابش تحت عنوان یادداشت هایی برای استفاده در تاریخ ژاکوبینسم ۱۷۹۷، طرفدارانش واژگونی ۱۷۸۹ را نتیجه اقدامات دسته جمعی مخفی فراماسون ها و یهودی ها و انجمن های مخفی با هدف نابود



کردن ملت‌ها می‌دانند.

نظریه توطئه جهانی از همان زمان بوجود آمدن بحث دوگانه متضادی را با خود آورد که یکی جنبه ای مرئی و آشکار دارد و دیگری جنبه ای مخفی و زیرزمینی. یکی منطبق مورد استفاده «موراس Maurras» و «پنج دولت متحد»، به عقیده او یعنی یهودی‌ها و فراماسون‌ها و پروتستان‌ها و «اجنبی‌ها» و سوسیالیست‌ها که می‌کوشیدند بموجب برنامه ای معین، نظم سنتی و ملی را نابود کنند و دیگری بلاغت مورد استفاده دست راستی‌های افراطی کنونی.

نظریه های پیر و تاریخ

نظریه توطئه تنها از لحاظ شکل و قالب مداومت دارد ولی از جهات دیگر خود را با تحولات تاریخی منطبق می‌سازد، تا آنجا که در طی قرن بیستم میلادی، قدرت دیگری با عنوان کاپیتالیستی و مالی و آمریکایی به قدرت‌های زیرزمینی قدیمی اضافه می‌شوند. بطور خلاصه هر گروهی که حقیقتاً یا بطور فرضی قدرتی را در دست دارد در مظان آنست که بصورت افسانه درآید و نفوذ و قدرتش با خیالبافی

ها در آمیزد. نظریه توطئه جهانی حتی پیروان جدیدی پیدا کرده و در بعضی محافل ترقی خواه و پیشرو به یکه تاز میدان تبدیل شده است. این تناقض البته ظاهری است؛ انتقاد اجتماعی علمی است ظریف اما نظریه توطئه برعکس چیزی را که بفرنج و پیچیده است بصورت ساده درمی آورد. در سالهای ۱۹۳۰ بود که «دویست خانواده» و در حقیقت دویست سهامدار بزرگ «بانک فرانسه» بمثابة سرکردگان سازمانی بسیار قدرتمند و دارای اختیارات ویژه، مسئول شکست دست چپی ها قلمداد شدند در حالی که اختلافات داخلی آنها و عدم موفقیت در انتخابات و اشتباهاتشان در انتخاب خط مشی، خود دلایلی کافی برای این امر بود.

پس از جنگ جهانی دوم بر حسب نظریه توطئه جهانی که تصویری کاملاً منفی از سیر تاریخ بدست می دهد، بر روی «قدرت های مخفی» جدید و به صورتی منظم، بر روی جهش های سرمایه داری جهانی شده، و بر روی ضعف نسبی قدرت ملی که به سود نهادهای مافوق دولتی تشخیص داده می شد، زده شد. و بدینسان نظریه توطئه درباره «کمیسون سه جانبه» گروه «بیلدربرگ Bilderberg» توجیه شد که مرکب از دو باشگاهی بود که سرمایه داران کشورهای مختلف را بطور سالانه در یکجا گرد می آورد.

پایان جنگ سرد، ایجاد یک ابر قدرت واحد، جهانی کردن صنایع و بازرگانی، عقب نشینی مکاتب عقیدتی (ایده نولوژیهای) سنتی، همه به یک مقوله منتهی می شود و به قول کارشناسان سیاسی هسته مرکزی «امپراتوری تاریکی ها» را تشکیل می دهد که در همه توطئه چینی های فرعی جهانی از قبیل شرکت های چند ملیتی و شرکتهای مالی دست دارد. و سوسه برای پیدا کردن یک مرکز واحد



قدرت و یا یک علت واحد برای شر و بدی - ولوبه قیمت فرو رفتن در جنگل وقایع عادی و روزمره و یابه قیمت انکار بغرنجی و پیچیدگی جهانی که قدرت ها در آن چند جانبه و عمل کننده در یکدیگرند و تصمیمات در آن بیشتر تابع تصادفند تا عوامل دیگر ، بسیار قوی است . بنابراین ، جنگ ها ، فقر و بینوایی ، تروریسم ، انباشته کردن ثروت ها ، یازده سپتامبر ، خلاصه همه چیز ممکن است منتهی به یک اراده مخفی و حسابگری خونسردانه اژدهای آمریکایی - سرمایه داری بشود .

خواه سخن از توطئه جهانی در میان باشد و یا از توطئه های کوچک تری که افکار عمومی شیفته آنهاست ، این سؤال ها که چه کسی عمل می کند؟ و قدرت مرئی چه چیزی را مخفی می کند؟ - با کلماتی یکسان بیان می شود. حوادث عجیبی که در پاریس رخ می دهد ، شبکه سری استفاده جنسی از کودکان توسط رجال مشهور ، قتل پرنسس دینا توسط DGSE و غیره ... در همه این رخدادها برگزیدگان و یا بهتر بگوئیم خود قدرت و حکومت ، مورد ظن واقع می شود. همینطور است دموکراسی و مراکز ضد قدرت واهی آن.

بدیهی است که نظریه توطئه جهانی ، نیروی خود را از جذابیت توطئه های واقعی موجود می گیرد. شکی نیست که تردید ، یکی از عناصر تشکیل دهنده دموکراسی است اما این نظریه با صدور حکم مخفی بودن و تبهکاری ، آنچنانکه گوئی قاعده و اصل قدرت است طرفداران خود را در بن بست بیستی بدون راه خروج قرار می دهد که آنها را بنحوی تناقض آمیز از کمترین قدرت محروم می کند و بدینسان این نظریه اعتراض و شکایتی فاقد قدرت و ناتوان است. ♦ ♦

* آنتوان ویتکین اخیراً کتاب حقه بازان جدید را منتشر کرده است.



هرم... من؟

چرا من؟

پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتاب مع علوم انسانی

